

# GANJINEH ASNAD

Publication of Iran National Archives Organization  
Historical research quarterly magazine.

Concessionaire : Iran National Archives Organization.

Managing Director : Seyed Hassan Shahrestani.

Editor : Kianoush Kiani Haft Lang.

Tenth year, Vol. 3,4, Fall and winter 2001 No. 39 & 40

Address : Bahjatabad 66 Behafarin Ave. 15936 P.O.Box 15875-4499 - Tehran-Iran.

- **Managing Director's Note**  
by : S.H. Shahrestani
- **Reasons for Armenians' Trade Improvement in Safavid Era**  
by : Sh. S. A'rabi Hashemi
- **A Glance at the Consequences of the Wars between Iran and Russia**  
by : F. Qaziha
- **" Six Ministers' " Duties and the Court Consultative Assembly  
in Naseri Era**  
by : A. Karimian
  - **Mirza Zein-al-Abedin Mo'tamen-ol-Atebba,  
the Head Physician of Naseri Court**  
by : M. Roustaii
  - **Constituents Assembly Elections (2nd part)**  
by : M. Delfani
- **Calligraphy in Royal Charters and Historical Decrees**  
by : A. R. Kuchaki
- **Lithographic Records, Intermediate between Manuscripts  
and Printing**  
by : Dr. Khan Mohammadi
- **A Pause on " Dustbins " - the Records Found amongst a Pile of  
Thrown-away Writings**  
by : M. Rouh-ol-Amini
- **Azerbaijan National Archives / by : Dr. A. Pashayev**
  - **Records Appraisal (first part)**
- **Collection of Historical Photographs / by : Dr. K. Kiani**
  - **New Publication**
  - **Donor of Records**
- **English Abstracts / translated by : A. S. Hossaini**

# درنگی بر «زباله دانی»ها سندهای بازیافته، در نوشته‌های دور ریخته

دکتر محمود روح الامینی

به دشواری می توانستم باور کنم. هنگامی که شنیدم: «دستنوشته‌ها، سندها، بسیاری از منابع تحقیقی (مجله، روزنامه، اعلامیه، گزارش) و نامه‌های خصوصی نیکلا (A.L.M. NICOLAS) نویسنده، مترجم، سیاستمدار و مستشرق معروفی که نزدیک به یک قرن پیش در ایران بوده (۱)، در زباله‌های کناریکی از خیابانهای پاریس - شهری که کتابخانه‌هایش (بویژه کتابخانه ملی، کتابخانه مدرسه زبانهای شرق و کتابخانه موزه گیمه) گنجینه نگهداری بسیاری از سندها و کتابهای منحصر بفرد مشرق زمین می باشد - ریخته شده است.»

ولی واقعیت داشت. آقای مونتئی (y. Monteil) که مقداری از این سندها را، از میان زباله برداشته، تعریف می کرد که در چند سال پیش، غروب یکی از روزهای فصل بهار، در کنار خیابان راسپای (Raspail) نزدیک خیابان مونپارناس (Montparnasse) عده‌ای را دیدم که پیرامون زباله‌ها - که لاتین نیست و شباهتی به خط فرانسه ندارد، زیوروی می کنند، و یا برمی دارند (۲). آقای مونتئی نیز مقداری از دستنوشته‌ها و جزوه‌ها را برداشته و به خانه می آورد و از نام نیکلا، تبریز و ایران، در آن نوشته‌ها متوجه می شود، که سندها، و نامه‌های خصوصی متعلق به محقق است که در قونسولگری سفارت فرانسه در تبریز کار می کرد. آقای مونتئی این ماجرا را برای خانمی از همکارانش که همسر یکی از ایرانیان مقیم فرانسه است، بیان می کند. در ژانویه امسال (۱۹۹۹)، در پاریس، برحسب اتفاق در جریان این سندهای دور ریخته شده (یا سندهای یافت شده) قرار گرفته و علاقه مند به دیدن آنها شدم.

آقای مونتئی با مهربانی مرا به خانه‌اش پذیرفت. دیدن سندها، نامه‌ها، روزنامه‌ها - در کنار پذیرائی‌ها - در طبقه ششم خانه کهنسالی، در یکی از محله‌های قدیمی پاریس، با پله‌های چوبی سائیده شده، که قدمتش کمتر از سندها نبود، خستگی و دلهره «مزاحم شدن» را از تن زدود.

این سندها که به گفته آقای مونتئی، تقریباً "یک دهم «گنجینه» سندهای دور ریخته شده است، شامل برخی نامه‌های خصوصی و اداری، دستنوشته، مقاله‌ها، شماره‌هایی پراکنده از روزنامه‌های تهران و تبریز (سالهای ۱۹۰۵ تا ۱۹۱۲)، چون اتحاد، بوقلمون، ملانصرالدین، مساوات، استقلال، مجاهد، کشکول و (...)) و بالاخره فرمان مظفرالدین شاه قاجار به «اعطای یک قطعه نشان شیرو خورشید از درجه دوم ستاره دار» و ... می باشد.

آقای مونتئی که با صمیمیت، این اسناد را در دسترس این جانب قرار داده، علاقه مند است، مطمئن شود که آنها دستخوش سرنوشت «زباله» نمانده، و در آرشیوی معتبر نگهداری و مورد استفاده قرار گیرند.

در توضیح فتوکپی سندهای پیوست، ملاحظه می گردد:

۱- در نامه مورخ اول محرم ۱۳۲۷ هجری قمری (۲۵ ژانویه ۱۹۰۹) انجمن ایالتی آذربایجان یادآور می شود که «به موجب اصل ۲۴ و ۲۵ قانون اساسی بستن معاهدات و مقالات و دادن امتیازات و استقراض

دولت علیه ایران به هر عنوان که باشد، باید به تصویب مجلس شورای ملی انجام پیدانماید (...)) و فعلا که مجلس شورا در عهده انفسال است، اولیای دولت حق مداخله به مواد مذکوره را ندارند که نسخه‌ای از اعلامیه دولت نیز ضمیمه نامه انجمن ایالتی است.

۲- نامه دیگر که یکماه بعد نوشته شده (۸ صفر ۱۳۲۷)، انجمن ایالتی آذربایجان، براساس پیام قونسولگری فرانسه در تبریز از تقاضای «یک خروار گندم برای گماشتگان جنرال قونسولگری» استقبال می کند، که طبعاً این مساعدت در رفع نیازمندی ارتباطی به «اعلامیه دولت» ندارد.

۳- از آنجا که فعالیت‌های فرهنگی و کار ترجمه آقای نیکلا، مورد توجه مظفرالدین شاه قاجار قرار گرفته بود، به دریافت نشان درجه سوم همایونی قرار گرفت.

## پی آمد سخن:

بی گمان نه نخستین بار و نه آخرین بار خواهد بود، که در «خانه تکانی»، تعمیر یا تخریب خانه، جابجا شدن، مقداری از وسائل و ابزارها - به هرعلتی که باشد - مورد نیاز صاحب خانه نیست، و آنها را دور می ریزند و این «دور ریختنی»ها با رواج بیشتر اجاره نشینی، آپارتمان نشینی و کوچک شدن فضای مسکونی، بر مقدارش افزوده می شود. چه بسیار سندها، کتاب، ابزارهای ارزنده سنتی و خانوادگی - که معیار و معرف گوپای تاریخی و فرهنگی می تواند باشد - در این دور ریختن‌ها از میان رفته و به دست فراموشی سپرده می شود، که به ناگزیر بسیار اتفاق افتاده است.

گاه بر حسب اتفاق، ممکن است سند و اثری ارزنده، از نابودی نجات یابد (همانگونه که می توانست، «بر حسب اتفاق» نابود شود). - اگر «بر حسب اتفاق»، ابن اسفندیار (بهاءالدین محمد بن حسن بن اسفندیار) دانشمند طبرستانی ساکن بغداد، در سال ۶۰۶ هجری

قمری، از بغداد به ایران، و برای دیدار پدر به آمل نرفته بود، از کتاب «نامه تنسر» تنها نامی مانده بود. وی گوید: «بعد پنج سال که مقام کردم، روزی به رسته صحافان مرا گذر افتاد، از دکانی کتابی برداشتم در و اند رساله بود (... و رساله دیگر که این مقفع از لغت پهلوی معرب گردانیده، جواب نوشته جشنسف شاه شاهزاده طبرستان از تنسر دانای فارس هر بزد هرابه از دشیرپایک، بانکه نه روزگار مساعد و نه دل و ساعد هیچ کار بود... در فراهم آوردن تاریخ طبرستان چون تقدیم اقدم لازم بود این رساله را که چون فلک مشحون است از فنون حکم، ترجمه کرده افتتاح بدو رفت (۳)».

- اگر آب در زیرزمین خانه نوه ارنست هولستر (ERNST HOLTZER) در آلمان نمی افتاد، بی گمان یادداشت ها و فیلم های این مهندس آلمانی که در سال ۱۸۶۳ از ایران تهیه شده و سندهای ارزشمندی از زندگی مردم اصفهان است به فراموشی سپرده شده و کتاب «ایران در یکصد و سیزده سال پیش» در ۱۳۵۵ منتشر نمی شد (۴).

- و بالاخره دانشجوی مستاجری، در تهران جعبه دورافتاده ای را که شیشه های نگاتیو فیلم، مربوط به دوره قاجاریه در آن بود نجات داد. جعبه ای که پسر صاحبخانه، در «خانه تکانی» بعد از مرگ پدر، نمی دانست چیست و چه ارزشی دارد.

این شیشه های نگاتیو، شامل صحنه های جالب و ارزنده، که معرف بسیاری از ویژگی های تبریز در زمان ولایت عهدی محمدحسن میرزای قاجار است، عکس های آن، به کوشش آقای بهمن جلالی، با عنوان «مجموعه عکس های یک عکاس ناشناس در اواخر دوره قاجاریه»، در خرداد و تیر ۱۳۷۶، در عکسخانه شهر به نمایش گذاشته شد (۵).

و نیز، دستیابی به نسخه های خطی کتابهای «تاریخ سیستان (۶)» به «حدود العالم (۷)» و «وقفنامه ربع رشیدی (۸)» هر چند از «زباله» های دور ریخته شده نبود، ولی نجات آنها خالی از رویدادهای اتفاقی میسر نگردید، که شرح هر یک را در مقدمه مصحح کتاب می یابید.

در نمونه های یاد شده - که مشتی از خروار است - از نجات اتفاقی سندهائی سخن به میان آمد، که می رفت به نابودی کشیده شود و میدانیم که هنوز در بسیاری از خانه ها، قفسه ها، بیغوله ها یا ویرانه ها، می توان - ندها و نوشتارهای ارزشمندی را - پیش از آنکه به «زباله دان» نابودی به پیوندد - یافت و منتشر کرد و البته کسانی نیز بدین امید، در جستجو و تلاشند.

به یاد دارم، زنده یاد دکتر احمد افشار شیرازی - که کتابخانه غنی او کتابهای ارزشمند داشت، و امید است محفوظ مانده باشد - زمانی که دبیر ادبیات فارسی دارالفنون بود (سال ۱۳۲۹) روزی ضمن بحث درباره تاریخ بیهقی، و توصیه در جستجو و نگهداری آثار خطی، میگفت: «آرزو دارم در جستجوی ۵ مجلد اول تاریخ بیهقی، دستم قطع شود و کتاب کامل شود و بتوانم آنرا بخوانم (۹)».

## نجات یافتن اسناد

با استقبال و علاقه مندی صمیمانه جناب آقای دکتر سیدحسن شهرستانی، رئیس سازمان اسناد ملی ایران، و اطمینان یافتن آقای مونتئی (Monteil) از اینکه: «این اسناد دستخوش سرنوشت «زباله» ها نشده و در مرکز مناسب مطالعاتی نگهداری و مورد استفاده قرار خواهد گرفت»، سرانجام در سفری به فرانسه، (در شهریورماه ۱۳۷۸ زمان برگزاری چهارمین کنفرانس اروپائی درباره ایران)، که نیز، حامل پیام و نامه ای از سوی سازمان اسناد ملی ایران برای آقای مونتئی بودم، اسناد یاد شده، در اختیار نگارنده قرار گرفت، و امروز ثبت و ضبط سازمان اسناد ملی ایران است و امیدواریم که همه اسناد، نامه ها و مجموعه خصوصی نیکلاها (لوثی ژان باتیست نیکلا، والفونس نیکلا) درباره ایران - که دور ریخته شده بود - گردآوری شده، و آرشیو کاملی از آن در سازمان اسناد ملی ایران فراهم آید.

## پی نوشتها:

۱- آلفونس نیکلا (۱۸۶۴ - ۱۹۳۹) فرزند لوثی ژان باتیست نیکلا، در رشت متولد گردید (زمانی که پدرش کنسول فرانسه در رشت بود). آلفونس نیکلا از سال ۱۸۸۷ بعنوان مترجم سفارت فرانسه و از ۱۸۹۸ تا ۱۹۰۶ سرکنسول فرانسه در تهران و از ۱۹۰۶ تا ۱۹۱۸ سرکنسول فرانسه در تبریز بود. وی و پدرش علاوه بر شغل سیاسی، با تبحری که در زبان فارسی داشتند، کتابها و مقاله های متعددی درباره ایران نوشته و ترجمه کردند.

۲- آنچه را که در برخی از کشورهای اروپائی و امریکائی، از خانه هادومی ریزند. شاید بتوان «زباله» نامید. ممکن است برای دیگری بکار آید. زیور و کردن وسائل دور ریخته شده، بوسیله رهگذران امری عادی است. کسانی نیز هستند که به عنوان شغل، روزهای یکشنبه (چون بسیاری از خانه تکانی ها و دور ریختن ها، روز شنبه - پایان هفته - صورت می گیرد) وسائل دور ریخته شده را - با وانت و کامیونت - جمع آوری کرده، پس از تمیز کردن یا تعمیر، در بازار و میدان های ارزان فروشی، به عنوان اشیاء دست دوم، عرضه می دارند.

۳- «نامه تنسر» به زبان پهلوی، که در صدر اسلام موجود بوده و این مقفع آن را به زبان عربی ترجمه نمود. امروز نه اصل پهلوی این رساله در دست است و نه ترجمه عربی آن، و ترجمه فارسی آن بوسیله ابن اسفندیار، مدیون یک اتفاق است. (به کتاب نامه تنسر به گشتب، به تصحیح مجتبی مینوی - انتشارات خوارزمی، چاپ دوم ۱۳۵۴، دیباچه، نگاه کنید).

۴- ارنست هولستر که در اواخر سال ۱۸۶۳ به اصفهان آمد و قریب بیست سال زندگی خود را در این شهر گذراند. گوید در ۱۸۷۰، هنگامی که آب در زمینی خانه نوه هولستر افتاد. او صندوق موروثی را باز کرد و در آن، یادداشت ها و مجموعه فیلم های مربوط به ایران را یافت. سفارت ایران در آلمان آنها را خریداری و بخشی از آن را منتشر کرد. (به کتاب «ایران در یکصد و سیزده سال پیش - بخش نخست اصفهان. تألیف ارنست هولستر. تهیه و ترجمه محمد عاصمی، از انتشارات وزارت فرهنگ و هنر، مرکز مردم شناسی ایران، ۱۳۵۵، مراجعه شود).

۵- این عکسها در عکسخانه شهر (تهران تقاطع خیابان بهار و خیابان بهار شیراز) نگهداری می شود. تنها اثری که از عکاس دیده می شود، سایه عکاس و دوربین او در یکی از صحنه هاست که در پوستر نمایشگاه با عنوان «چهره تاریخ، سایه عکاس» به آن اشاره شده.

۶- تاریخ سیستان (نویسنده ناشناس) به تصحیح ملک الشعرا بهار، نشر موسسه خاور، چاپ دوم، ۱۳۵۲.

۷- حدود العالم من المشرق الی المغرب (نویسنده ناشناس) به کوشش دکتر منوچهر ستوده، ناشر کتابخانه طهوری، ۱۳۶۲.

۸- وقفنامه ربع رشیدی، (به خط واقف) از رشیدالدین فضل الله... ابی الخیر، به کوشش مجتبی مینوی و ایرج افشار از انتشارات انجمن آثار ملی، ۱۳۵۶.

۹- تاریخ بیهقی تألیف ابوالفضل محمدبن حسین بیهقی، تصحیح دکتر علی اکبر فیاض، نشر علمی، چاپ چهارم ۱۳۷۴. از تاریخ بیهقی از مجلد (بخش) اول تا چهارم و قسمتی از مجلد پنجم در دست نیست و در مجلد دهم (پایان) نوید فضل دیگری رامی دهد.



بصفت از عیادت و تهنیت  
**مامظفرالدین شاه قاجار**  
 شاه با استعلا کرمه الله علیه

مخبر بر در رسم مخصوص خودمان بدین جهت است که این کلاه را به رسم خودمان  
 و به واسطه آنکه ما را در این اعطای یک قطعه نشان شیر خورشید  
 قرین شما فرستاده و در صورتیکه که وزارت خارجه شما فراموش کرده  
 نشان بر در رسم مخصوص خودمان بدین جهت است که این کلاه را به رسم خودمان  
 و به واسطه آنکه ما را در این اعطای یک قطعه نشان شیر خورشید

Par la grâce et l'aide de Dieu Très Haut  
 Nous Nourzaffer ed dine Chah Kadjar  
 Empereur Absolu de toute la Perse

Pour reconnaître de Notre bienveillance spéciale à l'égard  
 de Monsieur Nicolas, Premier Secrétaire de la Légation de France  
 à Téhéran, Citoyen Français,

Nous l'avons honoré en lui octroyant la décoration du Lion  
 et du Soleil de deuxième classe, ornée d'étoiles,  
 Nous ordonnons:

que le Ministère des Affaires étrangères lui reconnaisse  
 ce titre et conformément au décret impérial qu'il signe  
 brevète et fasse parvenir les insignes.

Moharrem 1319

LETTRES REÇUES

Enregistré N° 27

le 1 MAI 1909 480



المجن اءان آءرلمبجان

تاریخ 1 شهر صفر 1327

نمبر 1111

ضمیمه

مردت خب بیدوب مهر زنده خیرال و ندرت خیرال و ندرت خیرال و ندرت خیرال  
 از طرف صبح خب میرزا خندان خیرال و ندرت خیرال  
 معنی یاکرتنه و درگاه رت که تعداد خود کتیم برای کتیم  
 خیرال و ندرت خیرال اینها بختی ایع مشهور بیدوب خیرال  
 که روی ای اگر همواره در ایام و قهر مطالب و قهر مطالب  
 موقت میر و قهر آمان در وقت که کتیم را کتیم در ایام  
 فردا ای وقت کتیم کتیم خیرال و ندرت خیرال و ندرت خیرال  
 و ایام آری ام روز در در کتیم کتیم کتیم کتیم کتیم  
 و خیرال ای وقت با کتیم کتیم کتیم کتیم کتیم

L'Assemblée Provinciale  
 à M. Nicolas Consul de France  
 à Baku

Le maître Mirza Hira Khan, interprète  
 de Le Consulat Général, est venu à l'en-  
 seignement et a déclaré que les domestiques  
 du Consulat ont besoin d'un Kharax  
 de blé.

Nous avons l'honneur en conséquence  
 de vous écrire cette lettre pour vous  
 faire savoir que les autorités sont  
 toujours prêtes à accueillir vos demandes  
 amicales.

Quand vous aurez besoin de blé,  
 demain ou à un autre moment, envoyez  
 à l'Assemblée provinciale un des domes-  
 tiques du Consulat; on lui remettra un bon  
 il se rendra à la citadelle et prendra l'is-  
 -raison du blé

CONSULAT DE FRANCE

Tauris, le 4 Janvier 1909

TAURIS

Direction Politique  
N° 2

12/ -  
14/ -  
25/ -  
1409 -

Télégramme de la  
Colonie Russe au  
Président de la  
Douma.

Le Consul de France à Tauris  
à Monsieur le Ministre de la  
République à Téhéran

J'ai eu avis hier Téhéran  
qu'on m'annonçait la prochaine  
envoi d'une circulaire au corps  
consulaire disant que le télégramme  
envoyé par les sujets Russes au  
Président de la Douma en ces termes :  
Le Consul Russe ne peut nous protéger  
faute de Cosaques : les biens, la vie des  
sujets Russes sont menacés, les boutiques  
ont déjà été pillées, nous ne devons  
plus avoir espoir, demandez  
du secours. Cette circulaire finira  
en demandant de l'aide aux sujets.

20 Апрелья 1917 г.

اون بيرلجي ايل

۱۱ رجب ۱۳۳۵

# ملا فصل الدين

№ ۱ • Цѣна 25к. МОЛЛА НАСРЪ ЭДДИНЪ. قينتي ساتيجي الله ۲۵ قبك.



تازه معارف بناسي تک رسم کشادی



اون ایل کیچندن سورا

اداره روزنامه کاشکول

تهران

اداره روزنامه ندای وطن است

بخش بکرتیه طبع و نشر شود

بتاریخ سه شنبه ۲۲ مهر محرم الحرام ۱۳۳۸

مطابق ۲۵ فوریه ماه فرانسه سنه ۱۹۱۸

# کاشکول

قیمت یک نسخه سه شای ۱

ا بونه اشترک سالانہ  
درد اراغلا نڈ طهران ... بشت  
سایر ولایات دہشت ... بکرتیا  
خرگستان ... پنج خرانک  
قعا زور و ستیہ ... سه سات  
ہندوستان ... چار روپيا

این روزنامه از فید رحمت کاشکول صاحب کاشکول ابتدا با شخص خاص طرفت نیست عرض بر آنست که ادب زشت بریت و مجری حسن است  
تدریس تربیت است بر یک اردو اشندان که صورتی بوم عبرت انگیز که گوی بر بخورد طرح نموده با داره فیر شد درج و کسرم آید

## (شکر از اقدامات انجمن بلدیہ)

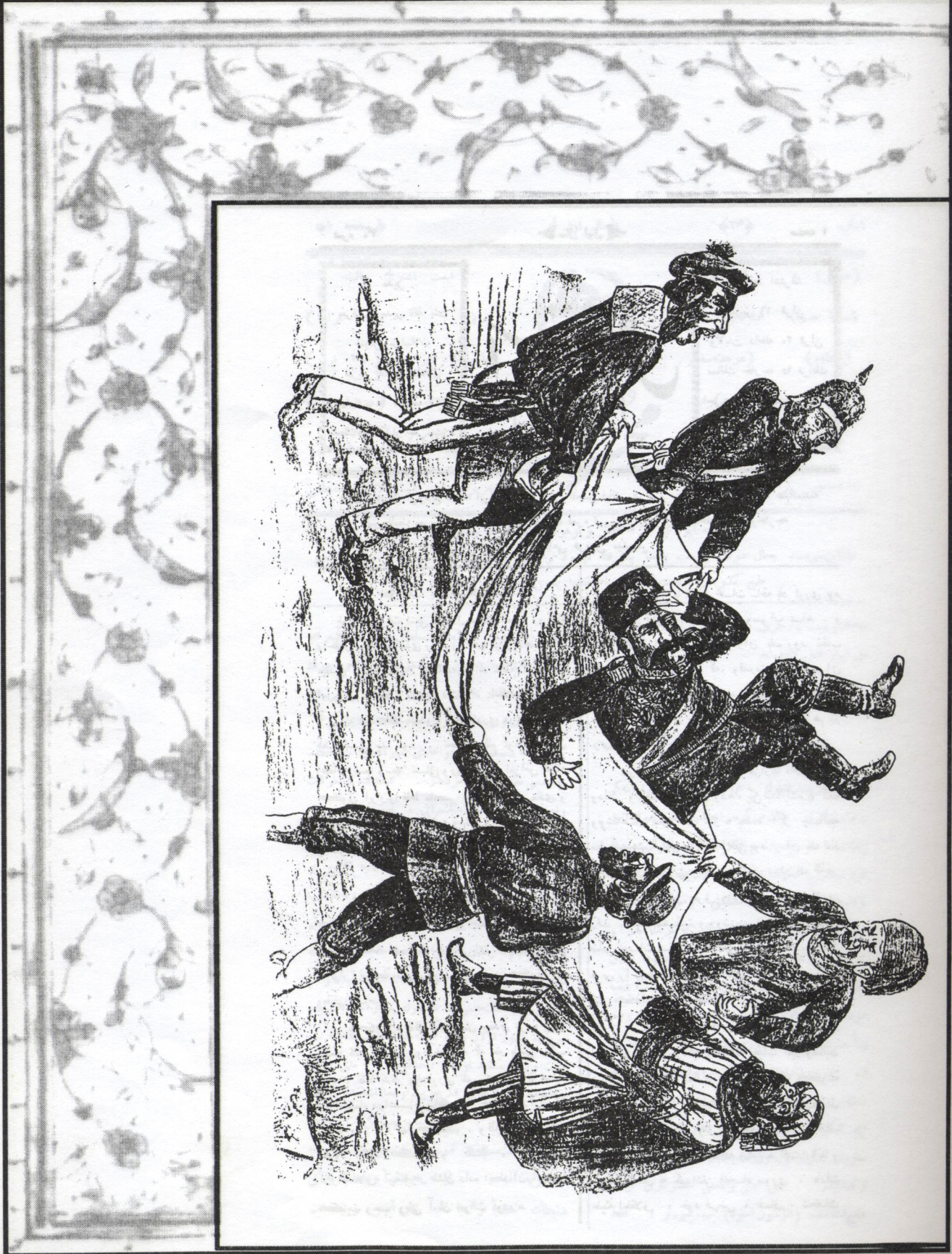
چندیت نامورین بلدیہ شروع کرده اند ابتدا خانه اوقیسین کنده  
و نصب کاشی نمره بسرد خانها و خودشان ستیفا یک قطعه کاشی مشتمل  
بر عدد و نمره آن خانه بالای سردر با نصب ستیفا و این از این  
اقدام حافظه چشم ماروشن کرده و عقلای قوم میدانند که این عمل  
ناچرانند از بهرین علت خدمت ستیفا و چه قدر با شکر و شکر  
از جمله آنکه در وقت پیدا کردن هر خانه همینکه نمره را معین کردند  
چینه بدون تردید محفل مقصود خواهد رسید و لازم نیست از چنانجا  
نفر حاضرین سوال کند و نشانی بگیرد دو سه ساعت وقت خود را تلف  
کند و مخصوصا اینکار در طهران از بهرین جای ایران زیاد تر لازم است  
چرا که در هر کج که چندین نفر بیک لقب هستند مثلا شخصی با کلاه  
کار دارد سوال میکند منزل محمد الاسلام کجاست فلان محله را با  
نشان میدهند بیچاره بیاید بان محله میرسد خانه محمد الاسلام کجاست  
کلی خانه محمد الاسلام روئیند را با نشان میدهد دیگر خانه محمد الاسلام  
محرراتای امام را از یاد میدهد دیگر خانه محمد الاسلام تو خفا  
و شاید آن شخص خانه را در وقت باب کند و از دربان یا خادمت  
بشنود تا مقصود خود را نالی گردد

یا که چند شیه سلطنت نمره دو از نمره چون آنکه محتاج بر رسیدن است  
ستیفانا دار آن خانه میرود و ابتدا اشتباه میکند و پاکت بنده را میبند  
نید بند و مخصوصا برای فرآشای روزنامه فرآشست و نگار  
خیلی کار آسان شده اند اما از اداره بلدیہ شکر میکنم چه اول کاشکول  
لزوم این سلسله را اخبار و همرا نمود بنده بودم که در روزنامه  
ادب شرفا خوشتر می شد که دو سه صفح کار بکار در این باب  
ساختم ولی آن اوقات کسی نبود که بخواند یا بخورش برود تا آنکه او  
بلدیہ این مقصود عالی موقوف شد و برای رفیع شبیه هم شرفان  
خودمان طلاع میدهم نصب نمره بسرد خانه اندا اسباب سلب  
صحت از اهل خانه نخواهد کرد ... آسوده باشد

دیگر از اقدامات مفیده انجمن محترم بلدیہ روشنی کردن خیابانهاست  
با چراغ برق و حقینده شبها با خیابانها را مثل روز روشن کرده اند  
ولی در اینجا دو سه مشرفه مطلب تمام داریم که ناچار باید خاطر نشان  
اعضای محترم بلدیہ بنامیم اول آنکه در تمام دنیا رسم و عادت است  
که از هر خطی که مستحسن چراغ برق عبور میکند اداره چراغ برق  
بر مسئولین بیک چراغ بزرگ چل شمی نصب میناید و نکته آنست  
اینست که خیابان متعلق بعبت است و کپانی چراغ حق ندارد در  
موقوف نوعیه بجایان تصرف کند در هر نقطه از خیابان که محتاج نصب  
سئون شود حق ارض آن نقطه این است که بیک چراغ بزرگ

در بیک که چراغ داریم چند نفر از نظام هستند چند نفر موفد  
و چند نفر مصدق المملکت و دوو اما حالا میگویند که چه فوادم





مدیر

میرزا اقا مدیر ناله ملت

عنوان مراسلات

تبریز اداره استقلال

چهارشنبه ۱۵ ذیحجه ۱۳۲۷

عجالتاً هفته یکبار چاپ میشود

شرائط اشتراك

تبریز ۱۶ قران

ولایات داخله ۲۰ قران

ممالک خارجه ۱۵ فرانك

اجرت پست همه جا بمهده اداره

اعلانات سطرى بگقران است

# استقلال

۱۳۲۷

در این جریده از وقایع داخله ایران و مذاکرات انجمن ایالتی، درج و سایر مقالات مختصره عام المنفعه نیز بامضا معرووف پذیرفته خواهد شد تک نمره تبریز (۲) ولایات داخله (۳) و خارجه (۵) شامی فروش میشود

عطف بشماره قبل

بارها در نجات اسبق استقلال مسئله اتحاد پروگرام و اختیار مملکت واحدی را مورد بحث قرار داده . و چندین نمره را با تعداد محسنت و فوائد خاصه آن بحال اسروزی مملکت مشغول داشتیم . اینک که مدتی از آن ایام می گذرد بدون آنکه فتوری در عقیده ما راه یابد وسعی پیدا شود . تجدید مطلع نموده و با همان اعتقاد راسخ و سبله تسالی و ترقی و علاج امراض مختلفه کنونی ایران را فقط منحصر بوقوع اتحاد مادی و معنوی در بین افراد ایرانیه و مشی از روی پروگرام واحد که در ماسبق اجمالاً به تفصیل آن پرداخته ایم میدانیم .

فی الحقیقه ما میخواستیم سری توی سرها داخل کرده . و خودمان را داعی نجات استقلال ایران و دلیل این مقصد مهم قرارداد . این ندای سعادت احتواراً بواسطه صدای نارسای خود بکوش هم و طنان برسانیم .

بلکه از ما که قلم شکسته مان چندین مرتبه روی صفحه کاغذ بند می شود نادره سه گله خیر یا شرکب میباشد : فقط نذکار و یادآوری تلف شده بود که فضلاء و حکماء در اعصار سابقه محض تحصیل و تدارک آن زحمتها برده ، رنجها کشیده ، و قبل از آنکه موفق مقصود کردند گذاشته و گذشته ، راه تدارک آن را با اخلاق آئینه ایران نشان داده انجام آنرا بمهده کنایت و حب وطنی آنان حواله نموده اند .

بلی مقصود ما از تشریحات سابقه یاد آوری بود چنانچه در نظر دانشمندان نیک و صواب نماید . و حد اوندان قلم را نیز تأییدی در این باب رود تمقیب مایراد نموده و با همان نفاذ گله . و قدرت قلم . که مر این دو طاقه را محض است . افراد ایرانی را که تابع صرفند به منافع سربمه آن حالی و برخوردار نمایند و ما هم باز بر می گردیم بسر حکایه کوئی و فسانه نویسی خودمان در زمانی گذشت . از هزارها اصحاب فهم و دانش و ارباب انواع عقل و دهاء یکی پیدا نشد که گفته و نوشته های ما را بنظر تمیز به بیند ، اگر چنانچه مطالب پیش نهادی ما قابل اهمیتی بود . این يك لفظ مجازی را می شد لیس حقیقت پوشانید . این يك کلمه غیر معتاد (که امروزه جز حرف واهی بنظر نمیناید) کان می رفت . سبب سعادت و روشنی مستقبل ملتی بشود ، ضامن حیات استقلال مملکتی گردد ، بقاء ملت قومی را در کف حمایت خود کرد ، قدم فمليت پیش گذارند نقشه مقدمانی از ا طرح نمایند

بالعکس آنانکه شربك عقیده و بلکه محرك اصلی ما بودند . و ما را نیز با اقدامات حقیقت آمیز و فعالیت بی ریب وریای آنان امید بود وافر هر يك بکوشه خیزیدند . و چنان آن اراده مستحسن را در درون دل نهفتند . که بنداری خیالی بود و خوابی بلکه از فرط مسامحه و عدم مراقبت رؤسا و بزرگان لا اقل به نکه دداشتن اتحاد صوری . عادات خبیثه اختلاف ، خود غرضی ، نفاق ، شخصیت

عنوان)	(مراسلات)	قیمت اشتراك سالانه
(نمجه حسينه اداره روزنامه)		تبريز ( ۱۵ فران )
(مجاهد)	(هر هفته سه بار)	ساير بلاد ايران ( ۲۰ فران )
طبع و توزيع ميشود)		ممالك خارجه ( ۲۵ فران )
۱۲ ذيقعدت الحرام ۱۳۲۵		﴿ قيمت يك نسخه ﴾
۱۸ دسامبر ( ۱۹۰۷ ) ميلادی		تبريز دوشاهي ( ساير بلاد ايران سه ماهي



# مَجْمَعَة

( وجه آبونه از هر كس و از هر جا مقدماتاً گرفته ميشود )

مقالات سودمند بحال دولت و ملت باصفاً پذيرفته ميشود و اداره در طبعش آزاد است و در صورت عدم طبع مکتوبات اعاده داده نشده و پاكيتها بدون تمير قبول نخواهد شد

مكتوبست كه از طرف عدالتخواهان عثمانی بلجمن مقدس ملی تبريز قلمی نمودند

﴿ تبريز انجمن ملی سی جانب عالیستہ ﴾

محترم دينداران

۱۵ رمضان المبارک ۱۳۲۵ تاریخ جو این نامه کر  
 واصل اوله رق هیت مرکز به اعضای حضورنده قرائت  
 ایدلدی ؟ حسیات و افکار یزده کی مشارک صمیمه  
 هیمزی نمون و محظوظ ایلدی . ملت مجلسنیک کشادینه ،  
 (قانون اساسی) نك تطبيق و مرعیت احکامنه  
 موفقیتکردن طولای سزی تکمیل قلبزه تبرک ایدر و  
 شوکت و سعادتکری یعنی ایلرز . بزله هم حدود اولان  
 و دینداسمز بولتان بردولت اسلامیه نك احکام مقدسه دینه  
 مزه نیما اصول اداره شورت و مشروطیتی ملککنده وضع  
 و تأسیس ایلیمسی ، یالکر یزی دغل ، بونون عالم اسلامیتی  
 ده نمون و شادان ایلدیکنه شه بوقدر . سرحد  
 مسلهسی مناسبته حاصل اولان هیجان و اندیشه بی تدایر عافلان  
 ابله تسکینه همت ایلدیگر طولای شایان تبریکسگر .

معلومدر که کر زمین اوزرنده یاشایان هر مؤمنده بری برنک  
 قرنداشیدر . حق تعالی و تقدس حضرتلری قرآن  
 عظیم الشاننده ( المؤمنون اخوة ) بیور بیورلر ؛ فقط

عثمانی تاج و تختنده او طوران سلطان حاضر عبدالحمید بجه  
 او امر الهی فی اصفا بجدکی کی بو حکمت جلیله بی داخی ادراک  
 ایدمه بجه قدر عاجز ، مجنون بر آدمدر . ایشته  
 هر ایکی طرف بونی بیلهرک بری بریله قرنداشجه یاشامسی ،  
 بری بزبه دست اخوت و اتحادی اوزانه رق برلککنده  
 چالشمسی مقتضیات دینه مز ددر . عبدالحمیدک حرکات  
 و اجراءت مجنونانه سنده نیک رأیی ، آرزوسمی بوقدر .  
 ملت ابله عبدالحمید آبری آبری شیلدر . امین اولکرکه  
 ترجمان حسیات و افکاری اولدیفمز ملک عثمانیه اینجده بو  
 سرحد مسئله سندن طولای سزک قدر ما بوس و متأسف  
 اولشلردر . عبدالحمیدی بو صورته ابقاع جانبته سوق  
 ایدن اسباب و مأراندن برنجیسی تعریف ایتدی بکر و جه ابله  
 داخل ابرارنده باشلایان افعال انقلابیه نك مالک عثمانیه و هم  
 سراجی ، ایکنجیسی ده شوک زمالرده اناطولیده  
 سر زده ظهور اولان وقایع قیامیه نك سلطنت قاتلان سنه  
 هایت و برمه مستعد اولان دهشتیدر . ملق بویله  
 بروقه الهه اولایا بقر فکر حریت و عدالتک انتشار سرسینه  
 مانع اولوق ایسته بور . بزموظیمه مز هر ایکی ملت اسلامییه  
 افرادینه حقیقت مسئله نك تفهیمه حادثات غیبه نك ظهورینه  
 میدان و برمه مکدر . ایشته جمعیتمز بومقصدله عثمانی  
 ضابطانسه خطاباً بر بیاننامه نشر انجمن و وساطت

• ( عنوان مراسلات ) •

• طهران •

• مدرسه آصفیه اداره مساوات •

• سید محمد رضای شیرازی •

• سید عبد الرحیم خلیفانی •

• مجله هفت یکم تبه طبع میشود •

• قیمت اشتراك پس از رسایدن چهارمهره

از عموم مشترکین دریافت میشود

• ( حریت ) •



• ( عدالت ) •

• ( قیمت اشتراك سالانه ) •

( طهران ۱۲ قران )

( سایر بلاد ایران ۱۷ قران )

( مالک خارجه ۱۰ فرانک )

• تک نمره ( طهران ) بک عباسی

سایر بلاد ایران پنج شاهی

( محل توزیع کتابخانه شرافت )

مترجم کتب از هر جا بنواهند ارسال میشود

• ( اخوت ) •

— § — بکتابخانه ۱۹ شهر صفر ۱۳۲۶ هجری قمری ( و ۲ فروردین ماه جلالی ۱۳۳۰ ) و ( ۲۲ مارس ۱۹۰۸ میلادی ) § —

سوز درونی را موقع اظهار رسید

هر ملتی که قربها در خواب متمادی جهل و غفلت مانده و روزگار سعادت خود را در بیپوشی و مستی بوسانیده يك وقت سراز بستر نادانی بر مبادد و چشم میکشاید می بینند در تنگنای لحدی خفته بود که بگی از جمیع حقوق بشری محروم و از شش جهت لنادن زندگانی را راهزنان از وی ربودماند در این وقت حس بشری آن ملت دفعتاً يك حرارت سرشار و يك غیرت و حرکت حیرت انگیزی در خود تولید میکند و سراپا مهبای استرداد حقوق منسوبه خویش میگردد این قسم ملت قهرراً مبتلا به سه دشمن بزرگ و سه طاغیة ظالم خواهد شد

آن سه طاغیة ظالم کدامند ؟ نخست طاغیة کدر مقابل آزادی ملت خونریزیهای نافر انگیز را طالبند همانا طبقه مستبدین دوائر حکومتی است که سالها چون طلوی خون اشام از خون ققراء و ضمنا تغذیه نموده و برای ساب آزادی ملت در مقام مجادله حاضر می شوند بشهادت تواربخ همیشه در معرکه این منازعه فتح و فیروزی با ملت بوده و از برای شکستن این لشکر از استعداد چندان زحمت نکشیده اند

سپس استبداد طبقه روحانیین که مدتها بدسائس و جہل اوهام عوام اناس را به غلامی خود مسخر و اسیر داشته کتب و دفاتر آسمانی را منابع بازار دزدی و مردم فریبی خویش قرار داده ( بچرفون الکلم عن مواضعه لیشتروا به تمناً قلبلا ) ابلهس وار لشکر مخالفت و عدالت تمهیز و بر ازادگان خدا تاخت می

اورند و ملت را در این کبرودار بسختیهای کونا کونا گون و منابع تصور نکردنی گرفتار میکنند

سپسین سلسله که نهایت ازان دوستخت تر و بزرگ ترین سد آزادی است همانا طبقه طرفداران استبداد روحانی و جسمانی است که در میان ملت تولید و در مقابل آزادی طلبان قسام میباشند از این سلسله اخیره نجات و رستگاری بی دشوار و در غایت اشکال است برای ترمیم مقصود لازم است بدانیم که ملت کیست ؟ و راه آزادی کیست ؟

در اینجا فقط بیک مثل قناعت نموده میگویم يك قطعه زمین را که محدود است بدیاری خزر و رود ارس و رود هریرشد و خلیج فارس در نقشه جغرافیایی موسوم بایران شده است و قریباً درازده مایون فوس در این قطعه از زمین سکنی دارند - ایا تمام این سکنه ایرانی و ملت ایرانند ؟ خیر خیر - هر که چنین نخواهد بود

فرزند ایران و ملت اصلی کسانی میباشد که کارگر و خدمتگذار این اب و خاکند و مدار زندگانی و حفظ جماعت و استقلال مایلت بسته بوجود آنان باشد نه هر که در ایران است ایرانی توان بود و جزو ملتی باید خواند

امروز کسانی که محور زندگانی ایرانیانند فقط منحصر بچند طاغیة اند

( ۱ ) زارعین جو کار که امروز در ایران اسیر ترین طبقات در شمارند و هیچ حق از حقوق آنها مشروعباً ادا نمیشود

این طاغیة منالوک ایران با آنکه حامل روزی عالی



## اعلان

اداره چراغ برق دارالسلطه تبریز  
ترتیب اشتراك منوط باجرای شرایط ذیل است

- (۱) از مشترکین قیمت سیم کشی و چراغ بمدت یکسال بدواً توده قسط در یافت خواهد شد تسهیلات همه اوقات بمهده مشترکین است
- (۲) قیمت چراغهای مقاطعه هم اوقات در وسط هر ماه در یافت میشود از مشترکینی که ساعت قوه شمار دارند در آخر ماه از قرار کیلووات از روی ثبت ساعت مخصوص محسوب و در یافت خواهد شد
- (۳) هرگسی در ادای وجه ووشائی قبض اداره را تا اتمام ماه معطل نمساید چراغش روشن نخواهد شد
- (۴) دستکاری سیمها و اسباب چراغ درختها بکلی ممنوع است زیرا خسارت و ضرر آن راجع بخود صاحب خانه است
- (۵) قوه برق بهر خانه داده میشود مشروط بر اینکه سیم مرکزی از جلو وارد یکی از خانه عبور نمساید الی دومه میتوان گفت که در تمام محلات سیم چراغ خواهد آمد
- (۶) مخارج سیم کشی داخل خانه و حیاط بمهده مشتری است قبل از وقت عدد چراغهای مطلوبه را تعیین و تصریح نمایند سیم مفروز باندازه عدد چراغها انتخاب میشود و الا سیمبکه بکار ده چراغ میخورد قوه ثبت چراغ را ندارد

- (۷) اگر در خانه سیمها منظم نباشند قوه چراغهای همان خانه از اداره قطع خواهد شد تا اینکه سیمها منظم و تعمیر بشوند
- (۸) قیمت چراغ بر دو قسم در یافت میشود

(اول) آنکه ساعت مخصوص در هر خانه نصب میشود که دو رشته سیم از کوچه بآن ساعت داخل میشوند از طرف دیگر خارج شده بچراغهای داخل خانه منضم و مربوط میگردد و هر چند ساعت که چراغها میسوزند در آن ساعت مخصوص ثبت و تعیین می گردد در آخر ماه از روی همان ساعت قیمت چراغها در یافت می شود

(دوم) مقاطعه است چنانچه در خانه مشتری ساعت مخصوص گذاشته نمیشود بجهت هر چراغ و هر نمره وجه معینی در یافت خواهد شد و در این صورت هرگاه مساحب خانه تمام چراغها را روشن نمساید و یا بخاید وجه آئونه تمام و کمال و بلا حرق وسط هر ماه در یافت میشود

(۹) قیمت چراغهای مقاطعه که در وسط ماه در یافت خواهد شد بدین قرار است

چراغ ۱۶ شمعی قدیم که ماهی ۱۷ قران بود حالته از دکاگین و مغازه هسا	موجب این ترفه دوازده قران است
چراغ ۱۰ شمعی قدیم که چهارده قران بود	نصف قیمت در یافت خواهد شد
حالته ۹ قران است	۱۶ شمعی ۶ قران
چراغ ۵ شمعی قدیم که ده قران بود	۱۰ شمعی ۳ قران و ده شمعی
حالته شش قران است	۵ شمعی سه قران

قیمت سیم کشی و چراغ و اشیاء دکاگین و مغازه ها بقرار مزبور در عرض یکسال بدوازده قسط در یافت میشود در صورت دادن اطمینان کامل بداره و الا قیمت اشیاء در ماه اول در یافت خواهد شد این قرارداد راجع بخانهها و دکاگین و مغازهها است سایر ادارات و مجالس و خانههای کرایه موضوع از این قرار داد است

## چراغهای ساعتی

شازده شمعی هر قدر بسوزد از قرار ساعتی بکشای و نیم محسوب میشود ده شمعی ساعتی بکشای

پنج شمعی ساعتی سی هفت دینار و نیم

(۱۰) حساب در این ساعات قوه شمار چنان است که اگر یکچراغ نمره ۱۶ شمعی مدت بیست ساعت بسوزد یک کیلووات میشود از قرار ترفه فوق کیلوواتی سی شای محسوب خواهد شد صاحب خانه با داشتن قوه شمار اگر نخواهد ناسخ چراغش خواهد سوخت

(۱۱) ساعت قوه شمار را صاحب خانه یا ادارات در جزو اسباب چراغ منخرند یا سکرانه منباید

صاحب املاز و مالک چراغخانه برق عمومی تبریز

# کنجینه سار

## فصلنامه تحقیقات تاریخی

سال دهم - دفتر سوم و چهارم  
پاییز و زمستان ۱۳۷۹ - شماره پیاپی ۳۹ و ۴۰  
۱۴۰ صفحه - بها: ۵۰۰ تومان

۳۹ و ۴۰

□ یادداشت مدیر مسئول / مهندس سیدحسن شهرستانی □ علل پیشرفت تجاری  
ارامنه جلفای نو در عصر صفوی / دکتر شکوه السادات اعرابی هاشمی □ نگاهی بر  
پیامد جنگ‌های ایران و روس / فاطمه قاضیها □ وظایف وزرای ششگانه و مجلس  
دربار در عهد ناصری / علی کریمیان □ میرزا زین‌العابدین مؤتمن‌الاطمبا، حکیم  
دربار ناصری / محسن روستایی □ انتخابات مجلس مؤسسان / محمود دلفانی  
□ سیر خط در فرامین و احکام تاریخی / علیرضا کرچکی □ نسخ و اسناد چاپ  
سنگی، حد ناصل خطی و چاپی / دکتر علی‌اکبر خانمحمدی □ درنگی بر  
«زباله‌دانی»ها - سندهای بازیافته، در نوشته‌های دور ریخته / دکتر محمود  
روح‌الامینی □ آشنایی با آرشئو جمهوری آذربایجان / دکتر آناخان پاشایف  
□ بررسی و ارزشیابی اسناد (بخش اول) □ کنجینه عکس‌های تاریخی / دکتر  
کیانوش کیانی هفت‌لنگ □ معرفی کتاب □ اهداگر اسناد □ چکیده مقالات به زبان  
انگلیسی / اعظم السادات حسینی